

الدرس الثاني والعشرون

كجايي = أين أنت

خوبم = أنا بخير

شنيدم = سمعتُ

پدرت = والدك

الان = الآن

آنها هستند = هم موجودون، هما موجودان

بیماري = مرض

پدرم = والدي

كجاست ؟ أين هو؟، أين هي

امروز = اليوم

حالش خوب است = صحته جيّدة

بیمارستان = مستشفى

اوتنها = هو لوحده

پیش = عند

پیش او = عنده

مادرت = والدتك

خواهرم = أختي

اونيست = هو ليس

كي = متي

عمل جراحي = عملية جراحية

آينده = قادم

پزشک = طبيب

او مي گويد = هو يقول

دوشنبه = الاثنين

سه شنبه = الثلاثاء

بعد = القادم

زود = سريع

حالش خوب مي شود = تتحسن حاله

آماده = حاضر

کمک = مساعدة

ما = نحن

هستيم = نحن موجودون

خیلی = كثيراً

متشکرم = شكراً

نستمع الآن الي الحوار بين محمد وعلي:

محمد: سلام علی، حالت چطور است؟ کجایی؟

محمد: مرحباً علي، كيف حالك؟ أين أنت؟

علی: سلام محمد، خوبم. تو چطوری؟

علی: مرحباً محمد، أنا بخير، وكيف حالك؟

محمد: ممنون. چه خبر؟ شنیدم که پدرت در تهران است.

محمد: شكراً. ما الخبر؟ سمعت أن والدك في طهران.

علی: بله. پدر و مادر و خواهرم در تهران هستند. پدرم بیمار است.

علی: نعم. والدي ووالدتي وأختي الآن في طهران. والدي مريض.

محمد: بله. شنیدم. متاسفم. الان حالش چطور است؟ کجاست؟

محمد: نعم. سمعتُ. أنا آسفٌ. كيف حاله الآن؟ أين هو؟

علی: حالش خوب است. او الان در بیمارستان است.

علي: حاله جيّدة. هو الآن في المستشفى.

محمد: تنهاسټ يا مادرت پيش اوست؟

محمد: هو وحده ام والدتك معه؟

علي: نه، تنها نيست. مادر وخواهرم هم در بیمارستان هستند.

علي: لا ليس وحيداً. والدتي وأختي أيضاً في المستشفى.

محمد: كي او را عمل جراحی می کنند؟

محمد: متي يجرون له عملية جراحية؟

علي: دكتر می گوید دوشنبه يا سه شنبه ي آينده.

علي: الطبيب يقول الاثنين او الثلاثاء القادم.

محمد: ان شاء الله حالش زود خوب مي شود. من وسعيد آماده کمک به تو هستيم.

محمد: إن شاء الله تتحسن حاله سريعاً. أنا وسعيد مستعدان لمساعدتك.

علي: خيلي ممنون.

علي: شكراً جزيلاً.

نستمع الي الحوار بين محمد وعلي مرة أخرى بالفارسية فقط.

محمد: سلام علی، حالت چطور است؟ کجایی؟

علی: سلام محمد، خوبم. تو چطوری؟

محمد: ممنون. چه خبر؟ شنیدم که پدرت در تهران است.

علی: بله. پدر و مادر و خواهرم در تهران هستند. پدرم بیمار است.

محمد: بله. شنیدم. متاسفم. الان حالش چطور است؟ کجاست؟

علی: حالش خوب است. او الان در بیمارستان است.

محمد: تنهاست یا مادرت پیش اوست؟

علی: نه، تنها نیست. مادر و خواهرم هم در بیمارستان هستند.

محمد: کی او را عمل جراحی می کنند؟

علی: دکتر می گوید دوشنبه یا سه شنبه ی آینده.

محمد: ان شاء الله حالش زود خوب می شود. من وسعید آماده کمک به تو هستیم.

علی: خیلی ممنون.